

باقری فراتر از دسته نوشته‌هایش

علی مینو^(۱)

مقدمه

از روش‌های دستیابی به ویژگی‌های یک جنگ و چگونگی آن، بررسی اندیشه‌های مسلط در تصمیم‌سازیها و عملکرد مبتنی بر آن است؛ تدابیری که به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود، منشأ تحولات اساسی در جنگ شدند و آن صلابت و پویایی را داشتند که بتوانند نقاط عطف بسیار درخشانی را در تاریخ جنگ یک ملت ایجاد کنند. سرلشکر شهید غلامحسین افشردی، مرد بزرگی که سروها و شقایق‌های دشت خوزستان او را حسن باقری می‌خوانند، از استراتژیست‌های نظامی بود که افکار و دست‌نوشته‌های ایشان، نشان‌دهنده بخشی از حقیقت و عصاره تاریخ جنگ ایران و عراق در سه سال نخست جنگ و نیز، تبیین‌گر شالوده اصلی استراتژی جنگ در این دوره است زیرا در این دوره ابداعات و روش‌های نو، از تکنیک و تاکتیک گرفته تا شیوه‌های نظامی پیچیده و بلندمدت و راهبردی به ظهور می‌رسد، در این مقاله، با توجه به فهرست موضوعات در دست‌نوشته‌های ایشان (۹ دفتر)^(۲) نخست، به بعضی از موضوعات آن اشاره و در ادامه، مصادیق و نکته‌نظری از افکار بلند این شهید از دیگر منابع مطرح خواهد شد تا مشخص شود که تدابیر و عملکرد این شهید بزرگوار از دست‌نوشته‌های مزبور فراتر بوده است، به گونه‌ای که افزون بر مصاحبه و سخنرانیها و دیگر اسناد و مدارک و نامه‌های وی مطالب و خاطرات بسیار ارزشمندی از تدابیر و عملکرد ایشان در اذهان کارشناسان نظامی و هم‌زمان به یادگار مانده است که در مرحله احصاء و تبیین آنها از مصاحبه گروهی تخصصی استفاده می‌کنیم (انشالله).

تکوین شخصیت نظامی

هم‌زمان با حضور سپاه در جنگ و شکل‌گیری هسته‌های اولیه مدیریت دفاعی - انقلابی، شهید باقری، که از ویژگی‌های بارزی، مانند ژرف‌اندیشی، قدرت تجزیه و تحلیل، دیانت محکم و استوار و تلاش وافر برخوردار بود، فعالیت خود را برای بنیان‌گذاری قلب سازمانی نظامی، یعنی واحداطلاعات عملیات رزمی آغاز کرد. وی نخست به عنوان یک عنصر شناسایی، از نزدیک یکی از مؤلفه‌های اصلی و تعیین‌کننده، یعنی زمین و عوارض موجود و موقعیت جغرافیایی آن را بررسی و با دقت ارزیابی می‌کرد. سپس، به بررسی آرایش دفاعی، استحکامات احداث شده و استعداد دشمن در تمامی خطوط و محورهای عملیاتی می‌پرداخت. بدین ترتیب، با ابداع و ابتکار ممتاز و منحصر به فرد خود، واحداطلاعات عملیات رزمی را در مناطق عملیاتی جنوب بنیان نهاد. وی با کار مستمر و استفاده مؤثر از نقشه‌ها و عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای به شناخت عمیقی نسبت به عرصه نبرد و نقاط ضعف و قوت دشمن دست یافت و با بررسی و تجزیه و تحلیل از شرایط سیاسی کشور، که رئیس‌جمهور وقت (بنی‌صدر) به دلیل ناکامی در آزادسازی مناطق اشغالی در دوران وی ایجاد کرده بود، به عرصه طراحی سازمان رزم، ارتقا و دستیابی به سطوح عالی فرماندهی و هدایت عملیات پای نهاد. شهید باقری پس از برآورد متعدد اطلاعاتی از وضعیت دشمن و مشارکت در طراحی و حضور در چند عملیات محدود و گسترده به استراتژیست زبردستی مبدل شد و در شکل‌گیری آموزه نظامی و تبیین استراتژی نوین و مردمی جنگ، نقشی محوری و کلیدی را ایفا کرد.

(۱) راوی شهید باقری در عملیات‌های بیت‌المقدس و رمضان
(۲) عنوان این دفترها در آخر مقاله در یادداشت شماره ۱ ذکر شده است.

**تفکر شهید باقری درباره اصل اطلاعات عملیات رزمی
و نقش ویژه‌ای که برای این واحد قائل بود،
بسیار اهمیت دارد؛
ایشان که بنیان‌گذار و معمار اصلی واحد اطلاعات عملیات
به شکل پویا و نوین آن است، توانست
با به کارگیری دقیق این ابزار، که رکن اساسی سازمان رزم است،
نقاط عطف زیادی در جنگ ایجاد کند**

دست‌نوشته‌های شهید باقری

مباحث و عناوین دست‌نوشته‌های شهید باقری در قالب تخصص‌های چندگانه زیر قابلیت کار تحقیقی گسترده‌ای را داراست:

(۱) آموزش، (۲) پدافند هوایی، (۳) توپخانه، (۴) مخابرات، (۵) مهندس رزمی، (۶) پرسنلی، (۷) تعاون، (۸) سازمان رزم، (۹) اطلاعات عملیات، (۱۰) طرح برنامه و عملیات، (۱۱) بهداری، (۱۲) تدارکات، (۱۳) زرهی، (۱۴) هدایت عملیات، (۱۵) نیروی هوایی، (۱۶) نیروی دریایی و (۱۷) هوانیروز.

همچنین، مباحث دست‌نوشته‌ها افزون بر قابلیت تحقیق گسترده تخصصی، نظم و هماهنگی رسته‌ای و بین رسته‌ای را نیز داراست که می‌توان محورهای دوازده‌گانه زیر را از آن استنتاج کرد:

(۱) چگونگی فرآیند تصمیم‌سازی رهبران و فرماندهان نظامی،

(۲) افکار و تدابیر و نقش آفرینی افراد،

(۳) میزان کارایی رسته‌های نظامی و نحوه نزول و ارتقای آنها،

(۴) تعیین نقاط قوت و ضعف افراد و یگانها،

(۵) توجه به مسائل سیاسی تأثیرگذار بر جنگ،

(۶) اشاره به کمبودها و نیازهای واقعی جنگ و چگونگی رفع آنها،

(۷) برآورد دقیق از پتانسیل اولیه جنگ کلاسیک در جبهه خودی و دشمن،

(۸) مراحل و چگونگی به قدرت رسیدن شیوه جدید جنگ مردمی،

(۹) توجه به خط سنتی و تفکر و رفتار یک فرمانده تمام عیار

مکتبی در تمامی سطوح و ارکان،

(۱۰) کارآیی و پویایی یک مکتب در اداره جنگ،

(۱۱) بیان مجموعه مباحثی درباره استراتژی، تاکتیک و تکنیک

نظامی و

(۱۲) تجزیه و تحلیل ارکان و سطوح مختلف یگانها برای ارتقای

سازمان رزم.

اندیشه دفاعی

تشریح تفکر دفاعی شهید باقری مستلزم کالبدشکافی تخصصی آن و پرداختن به، لایه‌های زیرین این تفکر است که از متن دست‌نوشته‌ها و قسمتی از مباحث طرح شده (خارج از دست‌نوشته‌ها) از سوی ایشان و نیز گوشه‌هایی از عملکرد این نخبه نظامی قابل استخراج است.

نقش آفرینی در اطلاعات عملیات رزمی

تفکر شهید باقری درباره اصل اطلاعات عملیات رزمی و نقش ویژه‌ای که برای این واحد قائل بود، بسیار اهمیت دارد. ایشان که بنیان‌گذار و معمار اصلی واحد اطلاعات عملیات به شکل پویا و نوین آن است، توانست با به کارگیری دقیق این ابزار، که رکن اساسی سازمان رزم است، نقاط عطف زیادی در جنگ ایجاد کند که در رأس آنها، شکستن تابوی ایجاد شده در ذهن رئیس جمهور وقت (بنی صدر) بود؛ برداشت غلطی که به دلیل تحریک سیاسی افکار عمومی از تخصص ارائه می‌شد و در عمل، اختلاف بین ارتش و سپاه می‌انجامید.

سیاست بنی صدر، که در تعارض با امام (ره) و طیف منتسب به ایشان بود و با تقابل دروغین تخصص و تعهد سعی در پیشبرد اهداف خود و طرد یاران و پیروان امام (ره) داشت، بر همین اساس، در جبهه نیز این سیاست را به صورت یکجانبه‌گرایی، یعنی کنار گذاشتن مدیران انقلابی - دفاعی سپاه در تصمیم‌گیریها اعمال می‌کرد و در مخیله او نمی‌گنجید که این مدیران بتوانند بن بست جنگ را بکشایند. شهید داوود کریمی درباره ظهور کارگشای شهید باقری در اتاق جنگ تعیین شده از سوی بنی صدر چنین می‌فرماید:

«(امام) به تیمسار فلاحی و ظهیرنژاد اعلام می‌کنند که من سوسنگرد را می‌خواهم. من هم خودم شنیدم که ظاهرآ امام فرموده بودند که اگر بشود من خودم به انجام می‌آیم، سپس، صبح همه در به در به دنبال این بودند که سپاه به اتاق جنگ بیاید، مدتی بود ما را راه نمی‌دادند. به این اتاق رفتیم من این قدر به اطلاعات و مجموعه داشته‌های ذهنی ایشان (حسن باقری) متکی بودم که دیگر هفت، هشت نفر را همراه خودم نبردم در آنجا همه نشسته بودند و آقای خامنه‌ای نیز تشریف داشتند آنجا، من کنار ایشان نشستم شهید چمران و آقای غرضی و تیمسار فلاحی، ظهیرنژاد آقای سرهنگ قاسمی، تمام فرماندهان آنجا جمع شده بودند. آقای ظهیرنژاد هم ده دقیقه‌ای در وسط اتاق قدم می‌زد و در فکر بود. همه منتظر تصمیم‌گیری ایشان بودیم. یکدفعه با صدای بلند فریاد زد: (رکن دو)؛ سرهنگی داخل آمد و احترام نظامی گذاشت و گفت: (بله قربان)، گفت: (برو پای نقشه وضعیت دشمن را

برای ما بگو)، ایشان رفت بیشتر از این طرف (جبهه خودی) می‌گفت خدا رحمت کند هر چه آقای ظهیرنژاد می‌گفت: برو جلوتر او نمی‌رفت (درباره وضعیت خطوط مقابل، یعنی دشمن) سرانجام آقای ظهیرنژاد عصبانی شد و گفت: (برو بنشین) در این لحظه، من فریاد زدم: رکن دو و بیست دقیقه؛ حسن باقری خدا بیامرز گفت: (بله حاجی)، گفتم: برو پای نقشه، جوان بیست، بیست و دو ساله‌ای پای نقشه رفت با آن جوی که در آن جلسه تمامی سران نظامی کشور، نماینده امام، شهید چمران و... هم بودند، فردی در این سنین باید اتکا به نفس و روحیه داشته و به اندوخته‌های ذهنی و اطلاعاتی خود متکی باشد. وی یکی یکی محورها را توضیح داد و سریع از نیروهای خودمان گذشت و به سراغ عراقیها رفت در مورد راهکارها گفت که از کی می‌توان چه کارهایی را انجام داد یا نه. تمامی اینها را به خوبی توضیح داد. اصلاً، جو جلسه کلاً عوض شد، باید می‌دیدید که مسئولان چطور خوشحال شدند حسن تمامی توضیحات و اطلاعات را داد و قرار شد که عملیات آغاز شود.^۲

این جمله از حسن معروف است: «اگر در شناخت دشمن، هزار شهید هم تقدیم شود، می‌پذیریم، اما در اثر ناآگاهی از وضعیت دشمن، منطقه و زمین یک شهید هم پذیرفتنی نیست».

یکی از محورهای اصلی در دست‌نوشته‌های شهید باقری موضوع برآورد اطلاعاتی از دشمن و شناخت خطوط دفاعی آن است. برای نمونه، ایشان در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۳۱، در





به نقل از شهید داود کریمی:

**صبح همه در به در دنبال این بودند که
سپاه به اتاق جنگ بیاید، مدتی بود ما را راه نمی دادند؛
به این اتاق رفتیم من این قدر به اطلاعات و مجموعه
داشته‌های ذهنی ایشان (حسن باقری) متکی بودم
که دیگر هفت، هشت نفر را همراه خودم نبردم**

صورت امکان، سنگرهای نفری سقفهای نیم دایره‌ای دارد و پشت این خط سنگرهای تجمعی است و پس از این خط، تازه سنگرها و سکوهاى تانک می باشد.

مورد اصل اطلاعات عملیات و اهداف بسیار مهم و گسترده آن قابل توضیح است که به بخشهایی از این اندیشه اشاره می شود:

اصل قضیه اطلاعات و عملیات و در حال حاضر، اینکه در جنگ، چه دیدی نسبت به اطلاعات و عملیات داریم و در کل، دید ما و دید کشورهای هم سطح ما، مانند عراق و عربستان و دید شورهای، مانند اسرائیل و آمریکا، که خود برنامه ریز این مسائل در دنیا هستند، نسبت به اطلاعات عملیات چیست و دنیا چقدر روی بحث اطلاعات کار می کند و ما تا چه حد روی این بحث کار می کنیم؟

- یک نکته ای که باید مشخص کنیم این است که خود بحث اطلاعات هدف است. بکوشید این را در ذهنتان جای دهید که اطلاعات هدف واسطه نیست، بلکه خود هدف اصلی است، و حتی دیگر این اطلاعات به هیچ دردی نخورد. نخستین نکته ای که یک فرمانده در عملیات بدان نیاز دارد، این است که از جوانب خودش اطلاع داشته باشد. تا وضعیت کلی خود را ندانید، نمی توانید اطلاعاتی جمع آوری کنید.

بنابراین، یک موضوع آگاهی از وضع خودی و دشمن و موضوع دوم، دانستن نقاط ضعف و قوت دشمن است، یعنی شما اگر نخواهید روی قضیه درازمدت کار کنید و در این قضایا، صبر و حوصله نداشته باشید، نمی توانید در کوتاه مدت، نقاط ضعف یا نقاط قوت دشمن را بشناسید. نقاط

مورد طرحهای ایذایی اجرا شده دشمن برای حفظ و نگهداری خطوط دفاعی، طرح دشمن در نهر عبید و سابله و مینهای شمال غربی بستان یا خرمشهر و غیره را چنین ترسیم می کند:

عراق در اجرای طرحهای ایذایی برای حفظ و نگهداری خطوط دفاعی خود، دست هیتلر و موسولینی را از پشت بسته بود، از جمله این خطوط دفاعی می توان نهر عبید و سابله و مینهای شمال غربی بستان و یا طرح دفاعی خرمشهر و غیره را می توان نام برد. طرح خطوط مستقیم؛ در ارتباط با استفاده از موانع طبیعی زمین برای تشکیل خطوط دفاعی امری عادی است. سران ارتش عراق برای تشکیل خطوط دفاعی مستقیم طرحی راتهییه کرده اند که نخست، کالک آن را دیدیم و سپس، خودم در روی زمین در جنوب رودخانه کرخه نور در طول بیش از سی کیلومتر مشاهده کردم.

نخست میدان مین، که بنا به موقعیت عمق مختلفی دارد. سپس، دوردیف سیم خاردار لوله ای که یک ردیف هم روی آن می اندازند که از هر طرف دو ردیف به حساب می آید و عرض آن حدود سه متر و ارتفاع آن نیز در همین حدود است. پس از آن، سیم خاردار خطی که نمی تواند چندان عامل مقاومت باشد. پس از آن، خندق که عرض آن بنا به موقعیت دو تا سه متر و عمق دو متر است و در صورت امکان، کف آن را یا آب می اندازند و یا مین می کارند یا سیم خاردار می کشند یا سیم خاردار و مین هر دو وجود دارد. سپس، کانالی که سنگر افراد در آن، به صورت انشعابی و زیگزاگ احداث شده است پس از هر سه سنگر نفری، یک تیربار مستقر است. البته، در

شهید حسن باقری:

«اگر در شناخت دشمن، هزار شهید هم تقدیم شود، می پذیریم، اما در اثر ناآگاهی از وضعیت دشمن، منطقه و زمین یک شهید هم پذیرفتنی نیست»

شرقی، نیروی ضعیف در خط می ماند و نیروی احتیاط با قوت بیشتری در پشت سر آن قرار می گیرد. یعنی اگر طرف مقابل یک تیپ دارد، یک گردانش را در خط و دو گردانش را در عقب می گذارد، اما ارتش ما این گونه عمل نمی کند؟ اگر یک تیپ با استعداد سه گردان دارد، دو گردانش را در خط و یک گردانش را در عقب می گذارد، یعنی همواره، احتیاط ما از نیروی اصلی ضعیف تر است، اما در تاکتیکهای شرقی قضیه برعکس است. هنگامی که می خواهید به شناسایی بروید، کافی است این موضوع را بدانید اگر در جایی پانزده دستگاه تانک در خط بود، باید به عمق پنج کیلومتر آن طرف تر بروید و اوضاع را بررسی کنید.^۴

از دیگر ابعاد برجسته شهید باقری نقش کلیدی و همه جانبه وی در هماهنگی واحدهای ستادی، برآورد اطلاعاتی و طراحی پیش از عملیات و حضور با قدرت ایشان در هدایت عملیات بود که جامعیت این نخبة نظامی را ثابت می کند.

در عملیتهای نیمه گسترده و گسترده، فرمانده هنگامی می تواند در انجام مقتدرانه هدایت عملیات موفق باشد که به طور دقیق، از استراتژی دشمن آگاه باشد و با برآوردی که از دشمن دارد، بداند که چگونه باید ترکیب درستی از تکنیک و تاکتیک نظامی را با در نظر گرفتن سرعت عمل علیه استراتژی دشمن به کار گیرد و به صورت دینامیک جنگ را هدایت کند، یعنی به موقع در صحنه نبرد حضور یابد و تصمیم صحیح و منطقی در کوران عملیات، درباره جابجایی یگانهای خودی و دشمن اتخاذ کند. شهید باقری در این باره می گوید: «در مدت شش ماه اینگونه جنگ را (عملیتهای محدود) تمرین کردیم و به خوبی، اصول مردمی و کلاسیک را که با هم آمیخته بودند، فرا گرفتیم تا اینکه عملیات گسترده ثامن الائمه آغاز شد».

۱۳۶۷/۲. شهید باقری این جمله از حسن

به قول سون تزو، فرمانده قابل، حساب شده به آغوش خطر می رود، اما بیهوده چنین نمی کند... هنگامی که موقعیت مقتضی بود، با چالاکي و به طور قاطع، وارد عمل می شود.^۵

شهید باقری مصداق بارز چنین فرمانده قابلی بود که در موقعیت مقتضی و با چالاکي و قاطعیت هر چه تمامتر، وارد عمل می شد. برای نمونه، در عملیات بیت المقدس، تیز بینی ایشان به عنوان فرماندهی قرارگاه نصر بسیار تعیین کننده بود.

ضعف و قوت دشمن دانستن تعداد تانکها و نفربرها نیست، بلکه تأثیر فرهنگ ارتش روی افراد است که هنوز نتوانسته ایم برآورد کاملی از روحیه ارتش عراق داشته باشیم و بدانیم که چه زمان این ارتش از هم می پاشد؟

کار درازمدت اطلاعات دست کم، می تواند این برآورد را به ما بدهد که اثر فرهنگ آن ارتش روی افراد چیست؟ ما باید بفهمیم که چه وقت، فشار روی عراق مؤثر است و جلوی مقاومت او را می گیرد و چه زمانی مقاومت مؤثر است؟ اینها نکاتی است که ما از آن اطلاع نداریم.

این یک بحث است که دشمن از سیر حرکت ما به کجا می رسد؟ ببینید، یک وقت است که ما می خواهیم از نقطه ای به نقطه دیگری برویم، مانند زمانی که می خواهند موشهایی را آزمایش کنند و دودزایی را درست می کنند و به دم آنها می بندند و نخست موش را می کشند و پس از آن، دیگر خود موش عادت می کند و می رود، ما نیز با حرکت خودمان دشمن را به واکنش و می داریم. همچنین، دشمن نیز با حرکت خود، ما را به واکنش و می دارد. آیا ما با حساب روی حرکتها خود می فهمیم که در آینده، دشمن به کجا کشیده می شود؟ آیا می سنجمیم که تأثیر حرکت آینده دشمن روی راهکارهای ما چیست؟

تأثیر فرهنگ ارتش روی افراد نکته ای است که ما تنها با کار درازمدت می توانیم از آن نتیجه بگیریم...

یکی از روشهای شناسایی ما که تا به حال، در خط مطرح بود، در مورد شناساییهایی در خط - بعداً توضیحاتی را می نویسم - مسئله کیفیت آرایش دشمن است. در روشهای

شهید حسن باقری:

«عشق اینجاست، زندگی اینجاست،
روحیه اینجاست، امام زمان (عج) اینجاست،
اسلام اینجاست، خدا اینجاست؛
ما غیر از اینجا کجا می‌خواهیم برویم»

اصول غافلگیری، عملیات شبانه، ادغام ارتش و سپاه و اصل تمرکز قوا و اصول فراوان دیگر. اصل تمرکز قوا و ضربت قوی یکی از اصول غامض و تعیین کننده در یک عملیات گسترده است که نقطه مقابل آن، اصل تجزیه قوای دشمن است که در بحبوحه عملیات و برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده در طرح مانور، اگر یک فرمانده مقتدر به خوبی از آن سود ببرد می‌تواند موفقیت را به سود جبهه خودی رقم بزند.

او این تاکتیک را در عملیات بیت المقدس عینیت بخشید و در مرحله دوم این عملیات پس از آنکه نیروهای خودی روی جاده اهواز - خرمشهر در ۳۵ کیلومتری زیر گرمداشت استقرار یافتند و عراق نیروی ایران را در مسیر این جاده در مقابل شهر خرمشهر (یعنی ناحیه شمالی جاده اهواز - خرمشهر) مشاهده می‌کرد، ناگزیر اصل را بر تمرکز قوای خود قرار داد. در این شرایط نیروهای خودی در تحقق آرزوی دیرینه خود یعنی آزادسازی خرمشهر به سر می‌بردند و موقعیت را برای ورود به شهر خرمشهر به دلیل نزدیکی به آن بسیار مناسب و مغتنم می‌شمردند. اما حسن به مثابه یک استراتژیست نخبه، در بکارگیری تاکتیک یاد شده گفت: «اگر قوای ما به طرف مرز حرکت کند و خط دژ را تصرف نماید سه فلش عمده از حرکتها در ذهن تئورسینهای عراقی متبادر می‌شود.

۱) حرکت ما به سوی بصره، که مرز تا بصره چیزی در حدود ۱۵ کیلومتر بوده و تهدید عمده‌ای برای شهر بصره می‌باشد،
۲) دور زدن دشمن در منطقه شلمچه و ورود به شهر خرمشهر،



وی در آستانه مرحله نخست عملیات، خیلی سریع بدین نکته رسید که محاصره خرمشهر در مرحله نخست عملیات، تصمیم و اقدامی ذهنی است.

هنگامی که عملیات به روز کشیده شد و دشمن خرمشهر را در تهدید دید، فشار بسیار شدیدی را از سمت خرمشهر به سمت نصر ۲ تیپ حضرت رسول و تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه وارد کرد. شهید باقری در این مورد می‌گوید:
«محاصره خرمشهر در طرح ریزی ما محاصره تنگ و محدود و اشتباهی بود».

ایشان به رغم طراحی با خیز وسیع و دلیل عمده زیر را برای استقرار روی جاده آسفالت اهواز - خرمشهر ضروری تشخیص داد. وی در این باره می‌گوید:

«۱) پر کردن فاصله بین نصرهای (یگانهای ادغامی ارتش و سپاه) عمل کننده از یکسو و پوشاندن شکاف بین خط حد و قرارگاه فتح و نصر از سوی دیگر مشکلی بود که در آن هنگام، همه مشاهده کردیم که این اقدام مدتی به طول انجامید تا خط تثبیت شود.

۲) تشخیص این نکته، که کنترل تپها بر واحدهایشان بسیار مشکل صورت می‌گرفت، کما اینکه مشاهده شد که در نظر نگرفتن این نکته و توجه نکردن بدانها ممکن بود ادامه عملیات را به خطر بیندازد.»

شهید باقری در آستانه عملیات محرم ضمن بحث در مورد مرحله سوم یعنی هجوم به دشمن، جمع‌بندی دقیقی را از مراحل گذشته جنگ ارائه کرد و بررسی این که چه اصولی ما را در این جنگ موفق کرده است، به این شرح برشمرد:

حسن غالباً، یک تا دو ساعت پس از هدایت اولیه عملیات، در خط نبرد حضور می‌یافت و خود شخصاً وضعیت خطوط تصرف شده را با اهداف از پیش تعیین شده (روی نقشه) کنترل می‌کرد و نقاط ضعف، مانند توقف پیش از دستیابی به اهداف و ایجاد رخنه احتمالی دشمن را بررسی، روی نقشه مشخص و عملکرد واحدهای رزمی و یگانها را در خط ارزیابی و دستورالعمل لازم را ابلاغ می‌کرد و بیش از همه، به وضعیت بسیجیان می‌اندیشید و برای اوضاع روحی - روانی آنها، به ویژه هنگام عقب نشینی، اهمیت ویژه‌ای قائل بود. وی در این باره در عملیات رمضان چنین می‌گوید: «در عقب نشینی، خودمان ایستاده بودیم که تمامی بچه‌ها عقب نشینی داشته باشند. یکی دوبار هم عده‌ای از بچه‌ها عقب مانده بودند، اما می‌بینید بسیجی نمی‌تواند (عقب) بیاید، بسیار سخت است، یعنی وقتی می‌خواهد به عقب بیاید، همه ایدئولوژی او بمباران می‌شود».^۹

در پایان به این امید که در آینده، بتوانیم طیف‌هایی از اندیشه تابناک این نخبة نظامی را جلوه‌گر کنیم و ابعاد چهره حقیقی این قهرمان ملی را به عموم مردم ایران، به ویژه نسل جوان بشناسانیم: جمله‌ای از شهید باقری در وصف جبهه درج می‌گردد: «عشق اینجاست، زندگی اینجاست، روحیه اینجاست، امام زمان اینجاست، اسلام اینجاست، خدا اینجاست، ما غیر از اینجا، کجا می‌خواهیم برویم».^{۱۰}

شهید باقری:

«ما باید هدفها را متناسب با توان نیروها در نظر بگیریم، به ویژه که با دادن تلفات نیروهای تیپهایمان هر زمان به بازسازی نیاز دارند و نمی‌توان هدفهای گسترده‌ای را به آنها واگذار کرد»

(۳) با رسیدن به مرز عملاً عقبه دشمن در منطقه هویزه تهدید می‌شود.

به این ترتیب که دشمن بخش عمده‌ای از نیروهای خود را از حالت تمرکز در منطقه خرمشهر خارج نموده و با جایجایی آنها را در مقابل ما یعنی خط مرزی قرار خواهد داد».^۶

سرانجام مطابق با تدبیر این فرمانده متفکر، مرحله دوم بیت المقدس سپری شد و نیروهای خودی به مرز رسیدند. تمرکز قوای دشمن در شهر خرمشهر به تجزیه قوا مبدل شد و دشمن از منطقه هویزه نیز عقب نشست و آرایش جدیدی را برای دفاع از شهر بصره سامان داد. در ادامه این عملیات شاهد بودیم که چقدر این تدبیر در تسهیل آزادسازی شهر خرمشهر مؤثر افتاد.

اصل سرعت عمل از دیگر اصول تاکتیکی بود که شهید باقری بسیار برای آن تأکید می‌کرد در عملیات بیت المقدس، تخمین سرعت عمل نیروها یکی از دغدغه‌های اصلی وی بود.

این نکته را ایشان دربارهٔ مرحله نخست عملیات چنین طرح می‌کنند:

«ما باید یقین می‌کردیم که نیروهایمان با آن بضاعت نمی‌توانند در اوایل صبح، به غرب خرمشهر برسند»^۷ در یک جمع بندی نیز چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

«ما باید هدفها را متناسب با توان نیروها در نظر بگیریم، به ویژه که با دادن تلفات نیروهای تیپهایمان هر زمان به بازسازی نیاز دارند و نمی‌توان هدفهای گسترده‌ای را به آنها واگذار کرد».^۸

یادداشتها

۱. چکیده عنوانین و مباحث دست‌نوشته‌های شهید باقری
- نحوه هجوم شهید باقری
- نحوه هجوم عراق (محور سوسنگرد - بستان)،
- علل شکست عملیاتهای تهاجمی در دوران بنی‌صدر،
- مقایسه برتری تجهیزات دشمن نسبت به خودی،
- نحوه همکاری ارتش با سپاه در ابتدای جنگ،
- مباحث متعددی درباره جلسات با سرلشکرها (فلاحی - ظهیرنژاد،
- فکورری) و رئیس جمهور وقت (بنی‌صدر) و دیگر فرماندهان ارتش و سپاه
- در آن زمان،
- طراحی تک‌ایذایی و عملیات‌های محدود،
- بررسی وضعیت گروههای گشتی رزمی - شناسایی دشمن،
- بحث تخصص درباره ترکیبات شیمیایی برای تهیه گازهای سمی،
- اصطلاحات نظامی و ویژگیهای ادوات جنگی،
- سنسگرهای رده دوم،
- چهار چوب لشکرهای عراق،
- مباحثی درباره سرپل بزرگ و کوچک،
- مواضع سیاسی حزب بعث،
- علل عقب‌نشینی و موقعیت دشمن در مقاطع مختلف،
- بحث درباره طرح مانورها و نقش یگانها،
- بحث درباره سازمان رزم،
- بررسی عملیاتهای به انجام رسیده،
- جابه‌جایی یگانها در خط،
- بحث اعزام، تقسیم، ترکیب و آموزش نیرو،
- نقش آفرینی هوانیروز و بررسی چارت سازمانی نیروی هوایی و دریایی و
- زمینی و تشکیلات ستاد مشترک و شرح پیشرفت قرارگاهها،
- بررسی وضعیت گردانها در تپها،
- هدایت عملیاتها تا ساعتها پیش از حضور در خط و طرح مباحثی درباره
- سازماندهی یگانها و واحدها به هنگام نبرد،
- جمع‌بندی و نظرهای کلی درباره عملیاتها،
- مباحثی درباره رسته‌های مخابرات و فرکانسهای شبکه داخلی گردانها با تپها،
- بررسی عملکرد و وضعیت واحدهای ستادی تپ، لشکر و قرارگاهها
- پیش و پس از هر عملیات،
- بازجویی از اسیران،
- مباحثی درباره هماهنگی ارتش و سپاه (ادغام - تشکیل قرارگاه مشترک و
- مسئولیتها، طرح مانور مشترک)،
- حمله اسرائیل به لبنان و پیامدهای حضور ایران در آن منطقه،
- مذاکره و جلسه با فرمانده تپها و لشکرها به صورت انفرادی و گروهی،
- شرح وظایف فرمانده تپها،
- بررسی جنبه‌های نظامی - سیاسی حرکت به طرف بصره،
- خطوط دفاعی عراق،
- نقش واحد روابط عمومی و تبلیغات در جنگ،
- مباحثی از جلسه با فرماندهان قرارگاهها،
- ترسیم نقشه‌های شناسایی و برآورد اطلاعاتی،
- بررسی نقاط ضعف خودی و دشمن پیش و پس از هر عملیات،
- وضعیت نبرد هوایی ایران و عراق،
- تحلیل درباره وضعیت نظامی کویت و عربستان،
- بررسی وضعیت امریکا در خلیج فارس،
- هدف % از طرح تشکیل قرارگاه مشترک دریایی بین ارتش و سپاه،
- مباحثی درباره فاو،
- بررسی توان رزمی افراد پیاده،
- موضوعات و مباحث سخنرانی،
- ثبت گزارش بازدید از دیدگاه (شناسایی) در خط،
- گسترش یگانهای دشمن،

- برآورد نیرو، ادوات و تدارکات مورد نیاز عملیاتها.
۲. طرح نخست میدان مین، که بنا به موقعیت عمق مختلفی دارد.
۳. جلسه لشکر نصر در عملیات رمضان ۱۳۶۱/۶/۱۱.
۴. کتاب هنر جنگ، دژ سون تزو، ترجمه دکتر حسن حبیبی.
۵. راوی.
۷. شهید باقری در قرارگاه نصر، ۱۳۶۱/۲/۱۲.
۸. تیرماه سال ۱۳۶۱ شهید باقری قرارگاه نصر.
۹. تیرماه سال ۱۳۶۱ شهید باقری قرارگاه نصر.
۱۰. سخنرانی شهید باقری در تپ ۲۱ امام رضا (ع)، ۱۳۶۱/۶/۱۰.